

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol. 2, No. 22, February 1992

سال دوم، شماره ۲۲، بهمن ۱۳۷۰

اعتصاب کارگران نفت با کسب ۵۰ درصد افزایش دستمزد پایان یافت

تظاهرات کارگران ساختمانی سوئد علیه بیکاری

صفحه ۵



پوشی کارگران صنعت نفت در طرح خواستهایشان در طول جنگ و اجتناب از اعتصاب در این مدت، خواستار بهبود وضع اقتصادی خود و اجرای قانون جدید کار شدند.

روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی، چاپ تهران، خبر یک گردهمایی کارگران نفت را در آبانماه درج کرده بود (خبر آن در شماره قبلی کارگر امروز درج شد) که کارگران طی قطعنامه پایانی آن ضمن حمایت از خامنه‌ای خواستار تشکیل شوراهای اسلامی در صنایع نفت شده بودند.

به گزارش انجمن کارگران تبعیدی که بقیه در صفحه ۲

مرکز خبری کارگر امروز: پس از ماهها جنب و جوش و اعتراضی در صنعت نفت که خانه کارگر کوشید آنرا علیه عدم حق تشکیل شوراهای اسلامی در صنایع نفت سوق دهد، کارگران در ۱۹ دی برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند و با گرفتن ۵۰ درصد افزایش دستمزد به اعتصاب خود پس از ۱۷ روز خاتمه دادند.

به گزارش روزنامه سلام چاپ تهران، در ۱۹ دی گروه کثیری از کارکنان صنعت نفت برای هماهنگ کردن خواستهای خود، در یک گردهمایی در تهران شرکت کردند. قطعنامه پایانی این گردهمایی ضمن اشاره به چشم

اعتراضات ژت به دستگیری زاهد منوچهری و سعید ساعدی از فعالین جنبش کارگری ایران

همچنین فرهاد بشارت دبیر فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، با انتشار یک بیانیه مطبوعاتی از سازمانها و احزاب کارگری خواست خواهان آزادی زاهد منوچهری و سعید ساعدی شوند. در بخشی از این بیانیه آمده، "نظر به شرایط دستگیری (این کارگران) و این واقعیت که اعدام فعالین کارگری در کردستان سابقه‌های خونین در پرونده

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال بیانیه "کمیته همبستگی با کارگران ایران" در فرانسه که طی آن از تشکلهای کارگری فرانسه خواسته بود که به دستگیری دو تن از فعالین جنبش کارگری در سئندج اعتراض کنند، ژوانس گالاند دبیر کنفدراسیون "ث.ژت" و مسئول مسائل بین‌المللی این اتحادیه طی نامه‌ای به سفیر ایران در فرانسه ضمن محکوم کردن اعدام فعالین جنبش کارگری خواستار آزادی فوری زاهد منوچهری و سعید ساعدی

بقیه در صفحه ۲

کارگران معادن شمال سوئد خواهان اعتصاب سراسری علیه دولت شدند

سوسیال دمکراتهاست ترک کردند. "لارش تورمان" رئیس اتحادیه کارگران معدن که ده هزار کارگر را نمایندگی می‌کند در گفتگویی با هفته نامه "ال.او - تیدنینگن" ارگان مرکزی "ال.او" ضمن انتقاد شدید از سکوت و لغتی اتحادیه سراسری کارگران بقیه در صفحه ۵

خواهان اعتصاب سراسری علیه دولت هستند و با طرح خصوصی کردن معادن در شمال این کشور به شدت مخالفت می‌کنند. اتحادیه کارگران معدن در اعتراض به بی‌اعتنایی "ال.او" و حزب سوسیال دمکرات سوئد به خواستهای آنان، اتحادیه سراسری کارگران را که در ارتباط نزدیک با

مرکز خبری کارگر امروز: در ژانویه گذشته اتحادیه کارگران معادن ذغال در شمال سوئد که از سوابق مبارزاتی طولانی برخوردارند، خواهان اقدامات شدید اتحادیه سراسری کارگران سوئد، "ال.او"، علیه دولت دست راستی جدید این کشور شدند. معدنچیان از جمله

راه آهن زیمبابوه ۴۰۰۰ کارگر اعتصابی را اخراج کرد

مرکز خبری کارگر امروز: مدیر راه آهن زیمبابوه، ۴ هزار کارگر را که برای ۱۳ درصد افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند و حاضر نشدند به دستور مدیریت به اعتصاب خود پایان دهند، اخراج کرد. به گزارش خبرگزاری "ا.پ.ا"، روز ۱۴ ژانویه، ۶ هزار کارگر برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند و در نتیجه آن، کمپانی راه آهن یک میلیون دلار ضرر کرد. ۲ هزار نفر از کارگران اعتصابی بدنبال دستور مدیریت روز ۱۹ ژانویه به سرکار بازگشتند اما ۴ هزار کارگر دیگر که اعتصاب را ادامه دادند، اخراج شدند.

ضرب و شتم نماینده کارگران آجر مهر در یزد

خواهان مجازات عوامل آن شدند. در طومار مذکور که به امضای یکصد شورای اسلامی رسیده آمده است که ضرب و شتم دده‌شانه ایرج عالم زاده خاطر بیش از ۶۰ هزار کارگر استان یزد را آزرده است. و از مقامات خواسته شده قبل از هرگونه اقدام و عکس العمل متقابل اقدامات لازم را در مورد مجازات مجرمین مبذول دارند.

مرکز خبری کارگر امروز: در آذر ماه گذشته "ایرج عالم زاده" نماینده کارگران شرکت آجر مهر یزد از سوی عوامل کارفرما در محل شرکت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این عمل مورد اعتراض کارگران قرار گرفت تا آنجا که شوراهای اسلامی کار در یزد نیز طی طوماری به این عمل اعتراض کردند و

گفتگو با جری تاکر رهبر نیو دایرکشن در اتحادیه کارگران اتومبیل ساز

پیروزی کاندید اپوزیسیون در اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا

صفحه ۷

کارگران اتومبیل سازی در کره جنوبی

۵ کارخانه را اشغال کردند

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به گزارش تایمزمالی، روز ۱۵ روز ۲۱ ژانویه، کارگران اتومبیل سازی که بمدت چند روز، ۵ کارخانه کمپانی "هیوندای" را اشغال کرده بودند، با تهدید به حمله پلیس کارخانه را ترک کردند. بیش از ۱۲ هزار پلیس مسلح ضد شورش، به همراه تانک و هلیکوپتر آماده حمله و شلیک به کارگران بودند.

بقیه در صفحه ۵

برگزاری کنگره موسس معدنچیان در مسکو

مرکز خبری کارگر امروز: در روزهای ۲۰ - ۱۶ دسامبر، اتحادیه کارگران معدن کنگره موسس خود را در حومه مسکو برگزار کرد. در این کنگره ۱۲۰ نماینده از تمام مناطق اتحاد جماهیر شوروی سابق شرکت کردند. مدت کوتاهی قبل از برگزاری کنگره، اتحادیه رسمی سابق

بقیه در صفحه ۶

گفتگو با دوتن از فعالین جنبش کارگری عراق

پیرامون اوضاع جنبش کارگری در جنوب عراق

صفحه ۴

همبستگی با کارگران ایران

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال فعالیتهای مجید بهروزی از فعالین "کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا"، اتحادیه کارگران پست کانادا شاخه ۵۶۵، طی نامه‌ای به سفیر ایران در کانادا (که یک نسخه آن برای کارگرمروز ارسال شده) اقدام جمالی چراغ ویسی و عبدالله بیوسه را محکوم کرد. در بخشی از این نامه آمده است اتحادیه ما نسبت به نقض حقوق بشر که کشور شما نسبت به طبقه کارگر ایران اعمال می کند خشمگین و نگران است. همچنین بدنبال فعالیتهای انجمن کارگران تبعیدی، کنفرانس زنان اتحادیه سراسری و محلی کارکنان دولتی بریتانیا (نالگو) طی یک قطعنامه نظارتی به نقض پایه‌های حقوق کارگران ایران اعتراض کرد. متن کامل این قطعنامه را در زیر خواهید خواند.

پس از ده سال حاکمیت، رژیم جمهوری اسلامی ایران به نقض حقوق پایه‌ای کارگران ایران برای تشکیل مستقل، اعتصاب و هر شکل از اعتراض، ادامه می دهد. در طول چند سال گذشته بیش از ۵۰ سازمانده، فعال و معترض اتحادیه‌ای اقدام شده و بسیاری دیگر وادار به تبعید شده‌اند. بیش از ۳ میلیون ایرانی هم اکنون در کشورهای دیگر پناهنده‌اند. موقعیت زنان بسیار بدتر از مردان است، و تحت شرایط خفقان آمیز در خانه و محل کار بسر می برند. این کنفرانس واقف است که:

- ۱ - ماه گذشته قانون جدیدی بتصویب رسید که زنان را محدود به اشتغال در شغل‌های نیمه وقت می کند. تنها معلمین و نرسا از این قانون مستثنی هستند. این ضربه‌ای دیگر به زنان است که فی‌الحال سلامتی فیزیکی آنها هستیم.

بنیاده از صفحه اول

اعتراض ت.ژت

است که کلیه سازمانها و احزاب کارگری و همچنین تمام نهادها و شخصیت هادی متعهد به ارتقاء حقوق بشری و مدنی، تمام تلاششان را بکار گیرند که از هر صدمه و درد بیش از این به آقایان ساعدی و منوچهری جلوگیری شده و خواهان آزادی بلافاصله آنها از دخمه‌های جمهوری اسلامی شوند.

"کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در سوئیس - زوریخ" نیز طی نامه‌ای به سازمان عفو بین المللی (که یک نسخه از آن برای کارگر امروز ارسال شده است)، از این سازمان خواست "برای جلوگیری از اعمال خشنونت علیه این دو کارگر و سایر زندانیان سیاسی، جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار جدی قرار دهد و برای آزادی فشار سربا اقدامات لازم را بعمل آورد". در زیر متن کامل نامه اعتراضی "ت.ژت" به سفیر ایران را خواهید خواند.

اطلاعات زیادی که به ت.ژت. می رسد، حاکی از سرکوب دولت شما علیه سندیکالیستها و مخالفین سیاسی است. ت.ژت. به ویژه از دستگیری سعید ساعدی و زاهد منوچهری، دو فعال سندیکایی، مطلع شده است. ما خواهان آزادی بلافاصله و رعایت

از طرف دیگر اقدام جمالی چراغ ویسی سازمانده مراسم اول مه ۸۹ و عبدالله بیوسه عضو سندیکای کارگران نانوائی در دوره اخیر، گواهی بر افزایش سرکوب در کشور شماست. ت.ژت. مصرا از شما می خواهد که انزجار و محکومیت‌اش در مقابل نقض حقوق بشر در ایران را

کارگر امروز

در سخت ترین شرایط بسر می برند. ۲ - ماه اکتبر دولت بار دیگر علیه زنان وارد عمل شده و ورود زنان به بیش از ۵۰ دوره دانشگاهی، از جمله در رشته های علمی، فنی و حقوق، را ممنوع کرد. بنابراین، این کنفرانس:

- ۱ - از کمیته زنان نالگو می خواهد که به سفارت ایران در لندن و وزارت کار در تهران نامه نوشته و به شدیدترین وجه ممکن علیه این اقدامات سرکوبگرانه اخیر اعتراض کند.
- ۲ - همچنین از نالگو می خواهد که مصراة از اتحادیه های دیگر و کنفدراسیون سراسری اتحادیه های بریتانیا (تی.یو.سی) بخواهد که اقدامات دولت ایران را محکوم کنند.
- ۳ - از خواست انجمن کارگران تبعیدی ایرانی مبنی بر اعزام هیئتی برای دیدار از ایران، تحت نظارت سازمان جهانی کار (آی.ال.او) و بهمرامی فعالین اتحادیه‌ای ایرانی در تبعید، بمنظور تحقیق در باره مشکلات کارگران ایران، پشتیبانی می کند.

که در چنین اعمالی بازتاب پیدا می کند، به اطلاع دولتتان برسانید. ما بر محکومیت شکنجه‌ها و اعدامها و خواستمان برای آزادی بلافاصله تمام زندانیان عقیدتی پافشاری می کنیم. آقای سفیر وابستگی ما به دفاع از ارزشهای انسانی و دموکراتیک را باور کنید.

گردهم آیی کمیته‌های امور اعضای شوراهای اسلامی

مرکز خبری کارگر امروز: در اواخر آذر ماه کمیته‌های امور اعضای خانه کارگر جمهوری اسلامی نشستی دو روزه برگزار کردند که در آن چگونگی انجام وظایف این کمیته‌ها و همچنین فعالیت برای انتخابات آینده مورد بحث قرار گرفت. کمیته‌های امور اعضا از حدود دو سال پیش بطور فعالی بوجود آمده‌اند و تلاش می کنند تا با آموزش اعضا و گسترش عضو گیری بلکه نفوذ و استحکام شوراهای اسلامی که مورد بیزارگی کارگران هستند را گسترش دهند. علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر در سخنرانی در این سمینار گفت: "تعداد اعضا و کیفیت عملکرد ما در ارتباط با مجموعه کارگری هنوز رقم بسیار کوچکی است که بایستی رشد کند و در برگیرنده آنهایی باشد که تحت پوشش قرار نداده است. وی این وضعیت را "یک نقطه شروع

کارگر امروز

بنیاده از صفحه اول

اعتصاب کارگران نفت

خبر اعتصاب کارگران نفت را در اختیار کارگر امروز گذاشت، اعتصاب که پالایشگاههای اصفهان، شیراز و تهران را در بر گرفت، پس از ۱۷ روز و با موافقت وزارت نفت با ۵۰ درصد افزایش دستمزد برای کارگران و ۸۰ درصد برای کارمندان پایان یافت.

بنابه این گزارش، بدنبال بخشنامه وزارت نفت که افزایش دستمزد بیشتری را برای کارمندان در نظر گرفته بود، کارگران با خواست ۸۰ درصد افزایش دستمزد (نظیر کارمندان) به اعتصاب خود ادامه دادند.

این گزارش حاکی است، وزارت نفت در مقابله با ادامه اعتصاب کارگران با صدور بخشنامه‌ای اعلام داشت: کارگرانی که فکر می کنند

پاسخ وزیر نفت درباره مخالفت با تشکیل شوراهای اسلامی

مرکز خبری کارگر امروز: در پی تلاشهای گسترده خانه کارگر جمهوری اسلامی برای تشکیل شوراهای اسلامی در صنعت نفت، در آبانماه گذشته گروهیایی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دو نوبت وزیر نفت را در رابطه با علت ممانعت از ایجاد شوراهای اسلامی که در صنعت نفت مورد پرسش قرار دادند. آقازاده وزیر نفت در پاسخ به این تذکرات طی نامه‌ای که در آذر ماه گذشته برای نمایندگان مذکور ارسال کردید، به قانون شوراهای اسلامی مصوب سال ۶۳ که تشکیل شوراهای اسلامی در مراکز بزرگ کارگری را منوط به تصویب ویژه شورایی کار کرده است، استناد کرد و اضافه کرد: با توجه به حساسیت تشکل سیاسی در این قبیل شرکتها مراتب امر به استحضار رئیس جمهور رسید و بدنبال توصیه ایشان موضوع در فرصت زمانی مناسب تحت بررسی قرار خواهد گرفت که نهایتا پس از بررسی همه جانبه مطابق خیر و صلاح نظام و با تشخیص مسئولین مربوطه اقدام مقتضی معمول خواهد گشت.

روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی در انتقاد به این پاسخ وزیر نفت، مصوبه شورایی کار در سال ۶۳ را متذکر گردید که طی آن با اکثریت آرا تصمصیم به ایجاد شورای اسلامی در صنعت نفت گرفته

کارمند شدن برایشان مزایای بیشتری دارد می توانند با مراجعه به کارگزینی فرم تقاضای کارمندی پر کنند. به گزارش انجمن کارگران تبعیدی، این بخشنامه باعث تفرقه در میان ادامه دهندگان به اعتصاب گشت و بعلت عدم پشتیبانی کارگران پالایشگاه آبادان و تبریز، ادامه اعتصاب توسط دیگر بخشها دشوار شد و کارگران بسر کارهای خود بازگشتند. از سوی دیگر، نشریه کارگر تبعیدی خبر اعتصاب دیگری در صنعت نفت را (بدون ذکر تاریخ آن) در شماره ۱۳ (آبان) خود به چاپ رسانده است. این خبر حاکی است کارگران پالایشگاه هشتم اراک، پالایشگاههای اصفهان و تهران و همچنین تاسیسات مسجد سلیمان دست به اعتصاب زدند که در اثر آن تلمبه خانه بید بلند دز خوزستان نیز به تعطیل کشیده شد. بنا به خبر این نشریه، رژیم اسلامی اختیار این اعتصاب را سانسور کرد و تنها به پاره‌های دشوارپا و نارسایی ها در کار تانکرها و دیگر وسائل حمل و نقل سوختی اشاره کرد.

شده است. کار و کارگر به وزیر نفت اطمینان خاطر داد که "بقرار اطلاع سازمانهایی که درگیر با مسائل کار و کارگری می باشند، مطلق کنونی بهترین زمان برای تشکیل شوراهای اسلامی کار در صنعت نفت می باشد". این روزنامه از وزیر نفت خواست که هرچه زودتر به تشکیل شوراهای اسلامی تن در دهد و مانع تعال در اجرای قانون نشود.

جریمه کارفرماهایی که از پرداخت حق بیمه خودداری کنند

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به لایحه‌ای که کلیات آن در ۱۴ آذر ماه گذشته به تصویب مجلس اسلامی رسید، کارفرماهایی که از ارسال حق بیمه مربوط به کارگران تحت استخدام خود امتناع کنند جریمه می شود. هنگام رای گیری بر سر کلیات این لایحه بحث در مجلس اسلامی در گرفت و از جمله یکی از مخالفین گفت: اگر بخواهیم کارفرماها را مکلف به پرداخت حق بیمه کنیم دو ضرر عمده دارد. یکی اینکه دیگر کسی اشتیاق به احداث کارخانه و تولید پیدا نمی کند و دیگر اینکه کارفرماها سعی می کنند با حداقل کارگر تولید کنند که این موجب رشد بیکاری می شود.

افزایش بیکاری در خوزستان

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به آنچه که طرح تعدیل نیروی انسانی نامیده می شود، تعداد زیادی از کارگران از جمله در استان خوزستان از کار بیکار شده‌اند. به گزارش روزنامه‌های ایران، در پی سپردن کارهای خدماتی کارخانه فولاد سازی اهواز به پیمانکار تعداد زیادی از کارگران رسمی شغل خود را از دست داده‌اند. مدیر کل اداره کار خوزستان در آذر ماه گذشته در یکی از جلسات شوراهای اسلامی اعلام داشت: برداشت غلطی که برخی مدیران از طرح تعدیل نیروی انسانی داشته‌اند مشکلات زیادی ایجاد کرده و نرخ بیکاری را در استان خوزستان افزایش داده است. وی افزود: ما نمی گوئیم تعدیل نیروی انسانی انجام نشود بلکه می گوئیم که برای کارگرانی که مازاد تشخیص داده می شوند باید فکری کرد تا کارگرانی که عمری را در یک کارخانه سپری کرده‌اند بیکاره بیکار نشوند.

قابل توجه خوانندگان کارگر امروز

کارگر امروز از ماه آینده در ۱۶ صفحه (دوازده صفحه فارسی و چهار صفحه انگلیسی) منتشر خواهد شد. به علاوه با توجه به افزایش قیمت چاپ، پست و دیگر هزینه های نشریه، به قیمت آن نیز نزدیک به بیست درصد افزوده خواهد شد. قیمت‌های جدید را در فرم آبونمان این شماره ملاحظه خواهید کرد.

تخفیف ویژه در بهای شماره‌های قبلی کارگر امروز

نشریه کارگر امروز برای کمک به تکمیل آرشیو خوانندگان خود، شماره های قبلی را با تخفیف ویژه بفروش می رساند. علاقمندان می توانند شماره های ۱ تا ۲۰ کارگر امروز را با نصف قیمت که شامل هزینه پست هم خواهد بود، دریافت دارند.

کارگر امروز را برای خود و دوستانتان آبوننه شوید

ISSN 1101-3516

کارگر امروز
نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

حساب بانکی: بهرام سروش
مرکز خبری: مصطفی صابر، لهرن جلالی، آذر ماجیدی، مریم کوشاره
امور اجرایی: فریده آرمان، فیهمه قطبی، ایرج فرزاده، علی کهن.
صفحه بندی: فورست
تستیر نویسی: پرنامه کامیپوری
اینجاست

Bank Account: حساب بانکی
5201-3306202
S.E. Banken
Stockholm, Sweden

Address: آدرس
W.T.
Box 6278
102 34 Stockholm - Sweden

اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوئد - ششماهه ۸۰ کرون سوئد
دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۲۰ کرون سوئد
- بها برای موسسات دو برابر قیمت‌های فوق است
(تمام نسبتا با حساب مینه پتر است)

فرم آبونمان

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

W.T.
P.O.Box 24142
L.A., CA 90024
USA

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

فرانسه

درگیری معدنچیان با پلیس

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۶ ژانویه، معدنچیان در جنوب فرانسه در اعتراض به بسته شدن احتمالی یکی از معادن طلا با پلیس درگیر شدند. به گزارش خبرگزاری رویتر، حداقل ۱۰۰ کارگر معدن که از طرح بسته شدن معدن طلای "سالسین" به خشم آمده بودند جلوی یکی از ساختمان های دولتی منطقه را با سنگ پوشانند. درگیری زمانی آغاز شد که یکی از معدنچیان کامیونش را به طرف ساختمان که پلیس از آن مراقبت می کرد روانه کرد و دو مأمور را زخمی کرد.

بیکار سازی معدنچیان بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۱ ژانویه، اداره زغال سنگ بریتانیا اعلام کرد که ۴ معدن در شمال انگلستان بسته خواهد شد و در نتیجه ۱۱۰۰ شغل در معادن از بین خواهد رفت. به گزارش تایمز مالی، قرار است که در سال ۱۹۹۳، اداره زغال سنگ بریتانیا، زغال سنگ را با نرخ بازار جهان به صنایع برق که خصوصی شده است به فروش برساند. آقای "کن کپاستیک" معاون اتحادیه سراسری کارگران معدن در یورکشایر در اینمورد گفت: این عقلانی کردن تولید نیست بلکه قصاصی است!

کارفرماها در صورت مزاحمت جنسی برای کارکنان زن مجازات می شوند

هرگونه حقوقی است! بیشتر قربانیان زنانی هستند که از شکننده ترین موقعیت برخوردارند. غالباً تنها و سرپرست چند فرزند، و در بیشتر موارد با قرارداد موقت کار در جستجوی کار ثابت هستند. در فرانسه، زنان حق رای را در سال ۱۹۴۴ بدست آوردند. زنان باوجودیکه قوانینی به نفعشان تدوین شده است اما هنوز در موقعیت نابرابری قرار دارند. بعنوان مثال در ازای کار برابر حقوقشان ۳۰ درصد کمتر از مردان است. قانون جزایی جدی علیه تجاوز تنها ۱۰ سال است که به اجرا درآمده است و هنوز هیچ قانونی در مورد تجاوز شوهر به زن تدوین نشده است.

برقراری رابطه جنسی به اجبار تحت فشار قرار می گیرند و بهای آنرا با سکوت سنگینی که منجر به اختلالات روانی و مشکلات خانوادگی و اجتماعی می شود، می پردازند. چندی قبل، دستیار شهردار شهری در شمال فرانسه که با استفاده از موقعیت خود بیش از ۱۰ زن شاغل خود را مجبور به برقراری رابطه جنسی کرده بود با شکایت زنان پس از چند سال سکوت، تحت تعقیب قانونی قرار گرفت. در یک مورد صاحب یک بنگاه معاملات ملکی که در پرسشنامه استخدام سوالات متعددی در مورد لباس زیر متقاضیان کار زن کرده بود در دفاع از پرسشنامه چنین استدلال کرد: "امروز عرضه کار بمعنای داشتن

مرکز خبری کارگر امروز: اخیراً در فرانسه لایحه پیشنهادی وزیر حقوق زنان در مورد محکومیت و مجازات کارفرماهایی که برای شاغلین زن مزاحمت های جنسی ایجاد می کنند تصویب شد و وارد قوانین جزایی و کار گردید. به گزارش "سارا اصلائی" همکار کارگر امروز در فرانسه، طبق آماري که انجمن دفاع از حقوق زنان در فرانسه منتشر کرده است، یک سوم زنان در محیط کار مورد انواع مزاحمت های جنسی کارفرما یا روسای خود قرار می گیرند که نصف آنها با تهدید به اخراج در صورت مقاومت همراه است. ۸ درصد زنان تا حد

حق انعقاد قرارداد برای کارگران روسیه سفید

کودتا، مدیریت کارخانه "ام. پی. او-لنین"، از بررسی قرارداد دستجمعی که از سوی اتحادیه پیشنهاد شده بود سرپا زده و طرح خود را بدون جلب موافقت کلکتیو تحمیل کرد. در مقابل با این حرکت اتحادیه مطالبات خود را به دیوار کارگاهها نصب کرد که بلافاصله یکی از فعالین اخراج شد. اتحادیه، کارگران کشورهای مختلف را به همبستگی با کارگران و مطالبات آنها در روسیه سفید فرا خواند.

بعد از اعتصابات بهار گذشته، مقامات مسئول جمهوری وقت روسیه سفید، دست کارگران را برای تنظیم پروژه قرارداد دستجمعی با دستگاه اداری باز گذاشتند. کارگران به این ترتیب موفق می شوند مطالبات خود را در مورد شرایط کار تدقیق کنند و به آن رسمیت ببخشند. یکی از مواد این پروژه برقراری کنترل اتحادیه بر تولید، استخدام و اخراج است. بعد از

نشریه کارگری سهرنجی کریکار چاپ کردستان عراق

فراخوان به تشکلهای کارگری در دفاع از کارگران عراق

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال تشدید اقداماتی که "جبهه کردستان" (متشکل از احزاب کردستان عراق از جمله اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی) از همان ابتدای تحولات داخلی عراق در سال گذشته علیه جنبش کارگری در کردستان بعمل آوردند، اخیراً نشریه کارگری "سهرنجی کریکار" (دید کارگر) که در کردستان عراق منتشر می شود، طی بیانیه ای که یک نسخه آن برای کارگر امروز ارسال شده است از تشکلهای کارگری جهان خواسته اند تا از آنها حمایت کنند. در زیر متن کامل این بیانیه را که از کردی به فارسی ترجمه شده است را خواهید خواند.

خطاب به همه تشکلهای سندیکالها و اتحادیه های کارگری. خطاب به رهبران و فعالین جنبش کارگری در جهان. رفقای کارگر!

طبقه کارگر در عراق از ابتدائی ترین حقوق اقتصادی و سیاسی خود محروم است و در شرایط بسیار سختی زندگی و مبارزه می کند: دستمزد کم، ساعت کار بالا، اخراج، بیکاری وسیع، محروم بودن از حق اعتصاب و تشکل (اتحادیه یا شور). شرایط مذکور برای کارگران در کردستان عراق بعلمت وجود شرایط جنگی و حاکمیت دو جانبه - حکومت بعث و جبهه کردستان - بسیار دشوارتر است. هم اکنون جبهه کردستان در شهرهای: سلیمانیه، ههولیر، دهوک قدرت اصلی است. جبهه کردستان اعمال کننده مستقیم سیاستهای غرب و بخصوص آمریکا بوده و وظیفه های که به عهده گرفته براساس نظم نوین جهانی جرح بوش تعیین شده و آن سرکوب جنبش کارگری دوره اخیر در منطقه و بخصوص در کردستان عراق است. حال جبهه کردستان آشکارا سیاست تهدید رهبران کارگری را در پیش گرفته است. (احضار رهبران و فعالین جنبش کارگری و تهدید و ترساندن آنها به پانزدهای گوناگون. رهبرانی که در جریان رویدادهای ماه آوریل ۱۹۹۱ نقش چشمگیری در به پیش بردن جنبش کارگری و شورایی داشته اند). تاکنون چندین نفر از رهبران جنبش شورایی و کارگری به دفاتر جبهه کردستان جلب شده و تهدید به مرگ گشته اند.

"سهرنجی کریکار" از شما می خواهد: به طرق گوناگون اعتراض خود را علیه سیاستها و اعمال ارتجاعی جبهه کردستان اعلام دارید و این سیاستهای ضد کارگری را محکوم کنید. بضمیمه در شرایطی که کارگران در کردستان عراق از هرگونه تشکل توده ای و سیاسی خویش محروم و بیش از هر زمانی پراکنده اند (بعلمت وضع آوارگی و بسته شدن کارخانه ها و کارگاهها)، به حمایت و پشتیبانی شما هم طبقه های هایشان بیشتر از همیشه نیازمندند. امروز جنبش بین المللی کارگری از هر زمانی بیشتر نیازمند اتحاد و همبستگی است. بورژوازی در جریان هجوم همه جانبه اش، بازار و سیاستش را جهانی کرده است. بورژوازی تا به امروز از نظر اقتصادی و سیاسی اینگونه یک صدا و متحد نبوده است. می خواهند برای کسب منافع هر چه بیشتر، کرسنگی بی حقوقی و فقر و فلاکت بی سابقه ای را به طبقه کارگر تحمیل کنند. یقیناً کارگران نیز با نیروی متحد و میلیاردری، صدا و قدرت انترناسیونالیستی خویش را به سرمایه داری نشان خواهند داد.

برگزاری کنگره موسس معدنچیان در مسکو



محکوم کرد. در این کنگره حول دو پیشنهاد که از سوی بعضی از نمایندگان ارائه شده بود بحث شد. پیشنهاد اول خواهان تبدیل اتحادیه که تمام اتحاد جماهیر شوروی سابق را در بر می گیرد به فدراسیون اتحادیه های کشوری بود و پیشنهاد دوم، "با توجه به شرایط" خواهان تغییر نام و عنوان این اتحادیه بود. کنگره هر دو پیشنهاد را رد کرد و اتحادیه بعنوان یک سازمان کارگری سراسری متحد و مستقل ساخته شد.

اتحادیه کارگران معدن در قبال مسئله ملی، خواهان اتحاد معدنچیان روسیه، اوکراین، روسیه سفید و قزاقستان در یک سازمان، با یک برنامه و دستورالعمل واحد شد و از جنبشهای اجتماعی و سیاسی کارگری خواست، با اعتقاد به اینکه درگیری میان ملیت های مختلف پایه ای در میان کارگران ندارد، در این درگیری ها شرکت نکنند و مطالبات ارضی را کلاً از دستور مباحثات خود حذف کنند. اتحادیه اعلام داشت که یک دولت دموکراتیک باید حقوق و آزادیهای هر فرد را مستقل از ملیتش تضمین کند.

پس از اینکه کنگره اتحادیه موضع خود را در مورد مالکیت اعلام کرد، بعضی از سازمانهای سیاسی کارگری مانند حزب کارگری مارکسیست در پلاقمرد خود "انتقال امور بنگاهها به کلکتیوهای کارگران" را پیشنهاد کردند. اتحادیه خود را مخالف مالکیت خصوصی دانست و اعلام داشت نه این راه حل و نه مالکیت کلکتیو متمرکز را دنبال نمی کند، بلکه خواهان "جانشینی اقتصاد توتالیته و رهبری شونده با اقتصاد دموکراتیک بازار است". کنگره اتحادیه اعلام داشت از آنجا که "التقاط بازار و مالکیت خصوصی" ساخته بورژواکراها، گورباچفست ها، ناسیونالیست ها و دهوکراتهاست، اتحادیه معتقد است که بازار همیشه منعکس کننده اوضاع اقتصادی است و می تواند در خدمت نیروهای مختلف عمل کند. بازار همیشه در اتحاد شوروی وجود داشته و عمل کرده است. اتحادیه همچنین

اطلاع کرد که حاکمان فعلی جمهوریهای سابق روسیه و کشورهای شرق می خواهند بنام بازار خدمات عمومی مانند پست، ترانسپورت و بیمارستانها را بفروش برسانند و خصوصی کنند. اصلی ترین خواست اتحادیه کارگران معدن در مورد مالکیت، حق شرکت کلکتیوهای کار در انتخاب شکل مالکیت در بنگاه مربوطه است. اتحادیه معتقد است که هرگونه تغییری در شکل مالکیت باید با توافق کلکتیو همراه باشد. کنگره اتحادیه از جمله موارد زیر را اعلام داشت: - در مورد تامین های اجتماعی اتحادیه خواهد کوشید که هنگام انعقاد قرارداد با دولت حداقل ضروری افزایش حقوق و تامین مواد مصرفی اولیه برای خانواده را تضمین کنند. - در شرایط عبور به اقتصاد بازار و بیکارسازنها، توجه ویژه ای به بیکاران و حتی کسانی که موقتاً بیکار می شوند، میبذول شود و آنها حداقل معادل هزینه های ضروری مصرفی، بیمه بیکاری دریافت کنند. - از نظر اتحادیه، پایه اتحادیه ها سازمانهایی که از پایین شکل گرفته اند می سازند و این سازمانهای پایه ای می بایست توجه خاصی به تهیه و تدوین قراردادهای اجتماعی میبذول کنند. در کلکتیوها، به نفع همکاری متقابل شد.

اعتراض معدنچیان آفریقای جنوبی به سیستم پرداخت دستمزد

کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که در مذاکرات ماه ژوئن بر سر دستمزد اتحادیه از این قرارداد بیرون خواهد آمد زیرا اعضای اتحادیه از سیستم پرداخت مزایا و اشکالی که کارفرما آنرا به کار می برد ناراضی هستند. در سال گذشته اتحادیه معدنچیان قراردادی را به امضا رساند که بر

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۵ ژانویه، اتحادیه سراسری معدنچیان آفریقای جنوبی اعلام کرد که قرارداد سیستم پرداخت دستمزد براساس سود و بارآوری تولید را کنار خواهد گذاشت. به گزارش رویتر، دبیر اتحادیه کارگران، "مارسل گولدینگ" در یک

اساس آن حداقل دستمزد سالانه کارگران در صورتی افزایش می یابد که قیمت طلا تا سطح معینی بالایی رفت. قیمت طلا در ۶ ماه اول ژوئن ۱۹۹۱ تا ژوئیه ۱۹۹۲ به میزان مطلوب نرسید و مزایایی از این بابت پرداخت نشد. اما بخش بارآوری تولید و محاسبه هزینه کار باعث شد که در بعضی معادن مزایایی تا ۱۲ درصد علاوه بر ۴ درصد افزایش دستمزد سالانه پرداخت شود. اما در مابقی معادن کارگران از مزایا برخوردار نشدند.

کارگران امروز

گفتگو با نلدیری از فعالین اتحادیه کارگران فور

ارزیابی قرارداد اخیر کارگران فور در بریتانیا

اتحادیه کارگران فور اخیرا یک قرارداد منعقد کرد. برای ارزیابی این قرارداد امان کفا همکار کارگر امروز در انگلستان گفتگویی با "ند لیری" کارگر شرکت فور که ۱۵ سال سابقه کار دارد و هم اکنون در مجتمع "تی بی" در "داکن هم" کار می کند داشت که خواهیم خواند.

● ند لیری: نماینده اتحادیه در محل کار و همچنین خزانه دار کمیته بخش ۱۱ اتحادیه است. این کمیته بزرگترین بخش اتحادیه ترانسپورت در "داکن هم" است.

● کارگر امروز: خواهشهایتان برای مذاکرات امسال چه بود؟ نظر شخصی تان نسبت به نتایج مذاکرات چیست؟

● ند لیری: قبل از هر چیز باید بگویم که مذاکرات فور در سطح سراسری است و نه کارخانه ای. ما سه خواسته داشتیم: ۱ - کوتاهتر شدن ساعات کار، ۲ - افزایش قابل توجه حقوق بازنشستگی، ۳ - افزایش دستمزد. در پایان ۵۵ درصد در سال اول و ۵ درصد در سال دوم افزایش دستمزد بدست آمد. همچنین موفق شدیم هفته ای ۲۸ پوند به حقوق بازنشستگی اضافه کنیم که در مقایسه با حقوق بازنشستگی دولتی که ۵۶ پوند است زیاد بد نیست.

● نمایندگان کارگران در جلسه مذاکرات به مدیریت گفته بودند که کارگران نگران کاهش ساعت کار نیستند که بنظر من این کار درستی نبود. به دو دلیل: اولاً ما می دانیم که در مجتمع که من کار می کنم همه خواهان کاهش ساعت کار هستند. اینها نمایندگان کارگران روحیه کارگران را دقیقا نمی دانستند. ولی روحیه کارگران بیخبریم. به همین دلیل هم کاهش ساعات کار را بعنوان یکی از خواسته ها اعلام کردیم. بهررو ما نمایندگان قبلی را با رای گیری عزل کردیم و یکسری جدید انتخاب کردیم.

● ک.ا: عکس العمل کارگران نسبت به قرارداد چه بود؟

● ن.ل: اتحادیه قرارداد را توصیه کرد. یک جلسه برگزار کردیم و آنرا به رای گذاشتیم. انتخابات در مجتمع "داکن هم" ۲ به ۱ بنفع قرارداد بود. به عبارت دیگر ۳۳ درصد یا یک سوم نیروی کار علیه قرارداد رای دادند. یعنی اگر اتحادیه آنرا توصیه نمی کرد، الان می بایست اوراق رای اعتصاب را بخش می کردیم. عصبانیت مخالفین هم باعث حذف خواست کاهش ساعات کار بود و هم اینکه کسی به نمایندگان نکته بود پیشنهاد ۷ درصد افزایش حقوق بکنند. بعضی از کارگران خواهان افزایش دستمزدها به مقدار معین مثل ۲۰ یا ۳۰ پوند و نه بصورت درصد بودند. بهررو هیچ کدامشان معتقد نبودند که ۷ درصد رقم "قابل توجهی" است.

● ک.ا: بگذارید درباره ساعات

مطرح کنیم.

● ک.ا: اخیرا ویلفرد کوچلورن، سنخوی آبی جی. متال شورای "سار لوایز" فور در یک مصاحبه گفت که حاضرند هرگونه حرکت اتحادیه های بریتانیا بر سر ۳۵ ساعت کار در هفته را حمایت کنند. وی حتی اضافه کرد که این حمایت شکل عملی توقف اضافه کاری و توقف کار بخود خواهد گرفت. فکر نمی کنید با توجه به روحیه غالب بر کارگران و همچنین همبستگی کارگران سایر کارخانجات فور، می توانستید از همان روز اول خواست ۳۵ ساعت کار در هفته را بجای "ساعت کار کمتر" مطرح کنید؟

بنظر می آید که خواست "ساعت کار کمتر" می تواند به اشکال مختلف استنباط شود و یا اصلا کنار گذاشته شود؟

● ن.ل: بگذارید قبل از هر چیز درباره پیشنهادات همبستگی بگویم. این صحبت را یک مسئول اتحادیه کرده است و اعلام همبستگی برایشان کار ساده ای است. اگر به محل کار ما می آمدند احتمالا همین را می گفتند. مسئله مهم اینست که قول می قدر نیروی کار در حمایت از ما می دادند. ما تجربه این قولها را داریم. در برخی مواقع جلب حمایت حتی یک بخش از یک بخش دیگر در این کشور مشکل است چه برسد به حمایت سراسری یک کشور دیگر. راستش را بگویم نمی دانم چقدر می توان به قولهای اینها اعتماد کرد. تا آنجاییکه به ساعت کار برمی گردد، چند سال پیش تلاش خوبی برای خواست ۳۵ ساعت کار هفته کردیم و موفق شدیم در برخی محلات کار مثل روزلورویس به این خوابیده برسیم. ولی اشکال کار اینجا بود که فعالیت ما متوقف شد. در دور آخر مذاکرات شرکت فور، مطمئن هستم که علیه ۳۸ ساعت کار رای داده می شد. شاید با شما موافقم موافقت می شد. ولی با شما موافقم که هدف باید همان ۳۵ ساعت باشد. روحیه کارگران هم همین است. مطمئنم که کارگران مجتمع "مرزی ساید" هم با ما هم نظرند. هیچ دلیل جغرافیایی وجود ندارد که کارگران خواهان ۳۵ ساعت کار نباشند. مطمئنم که دفعه بعد خواست ساعت کار کمتر در مذاکرات کنار گذاشته نمی شود.

● ک.ا: مقاله پشت مقاله در روزنامه های مختلف مثل تایمز مالی منتشر می شود که هزینه نیروی کار در اروپا کاهش یافته است. اشاره شده است که بارآوری کار در بریتانیا ۶۵ درصد بارآوری کار در آلمان است. این ارقام در خود مهم نیستند چیزی که مهم بنظر می رسد دلیل مقایسه کشورها با یکدیگر است. بطور مثال از این مقایسه استفاده می شود تا اختلاف دستمزدها را توضیح دهند. به عبارت دیگر بارآوری کار ۶۵ درصد باید انتظار ۶۵ درصد دستمزد داشته باشد و غیره.

● ن.ل: قبول دارم که بارآوری کار در آلمان بالاتر از بریتانیا است. البته تاکنون کارخانه آلمانی ندیده ام و در نتیجه نمی توانم آنرا با کارخانجات بریتانیا مقایسه کنم. یکروز یکی از کارگران درباره بارآوری کار بمن گفت "تا آنجا که به بارآوری کار برمی گردد مجتمع ما یک موزه علمی است". خط تولید ما که آکان همان خط تولید اوایل دهه ۶۰ است و تغییری در آن وجود نیامده است. ابزاری که من برای تنظیم محور عقب ماشین استفاده می کنم همانی است که ده سال پیش داشتم. وقتی دستگاه می شکنند آنرا عوض نمی کنند بلکه به تعمیرگاه می فرستند. غیرمعمول چیزی که به آن "تجدید سرمایه گذاری اساسی" می گویند، مجتمع ما به دوران عتیقه تعلق دارد. وقتی باران می بارد داخل مجتمع پر از آب می شود زیرا سقف کارخانه سوراخ است. محیط کارمان تاریک و کثیف است. بنابراین وقتی صحبت از بارآوری بالای کار در کارخانجات آلمان یا بلژیک می شود، می گویم بله قبول دارم ولی نیروی کارشان هم در

وضعیت بهتری کار می کند. در نتیجه نگرانی از بابت مقایسه بارآوری کار ندارم. اما قصد نهفته ای که شما از آن صحبت کردید، مسئله مهمی است. به گمان من دلایل آن مزخرف است. تا آنجاییکه به دستمزدها برمی گردد، کارفرماها کمترین حقوق را می پردازند و کاری با کالایی که کارگران تولید می کنند ندارند. هم اکنون اکثر کارگران "داکن هم" مثل من اوپراتور رده "بی" هستند و درآمد هفتگی آنها ۲۵۰ پوند، بعلاوه ۲۰ پوند اضافه بابت شیفت شبانه است. بگذارید یک چیز دیگر هم بگویم. یک اوپراتور ۹ ساعت در روز کار می کند و در تمام مدت یک دستگاه سنگین را در دست دارد و آنرا بالای سرش بلند می کند. ۵ سال است که با این وضع کار می کنیم و بنظر چیز کم اهمیتی می آید، ولی وقتی حساب کنید که ۳۶۵ روز در سال در خط تولید چنین وضعی داشته باشید آنوقت اصلا کم اهمیت نخواهد بود. از وقت آدم صد درصد استفاده را می کنند. الان طوری شده که با اولین تلاش، دستگاه باید جا بیفتد وگرنه آدم عقب می افتد. دیسپلین کار خیلی سخت شده. اگر یک پیچ در ۳۵۰ اتوموبیل که هر کدام ۴ پیچ دارند جا نیفتد تنبیه می شویم. تنبیه اول شکل شفاهی دارد، و سپس یک حکم کتبی تحویلمان می دهند. جوری شده که مدیریت می تواند یک کارگر را در عرض یک هفته از این طریق اخراج کند. قبول دارم که دستمزدها و حق بازنشستگی افزایش یافته است ولی این خود کارگران اند که هرروزه آنرا از طرق مختلف و شدت کار می پردازند. در "مرزی ساید" مدیریت حتی گارد امنیت کارخانه را از کار بیکار کرده و بر سر خط تولید کشانده است.

بنابراین من می گویم: اینست بازار آزاد! تنها چیزی که اینها می خواهند تولید هر چه بیشتر توسط کارگران با دستمزد هر چه کمتر است. این قانون عمومی است و ربطی به بارآوری کار ندارد!

● ک.ا: نظراتان درباره سازماندهی کارگران در اتحادیه چیست؟ آیا فکر می کنید در اتحادیه ها باید رفرف شود یا تشکل الگرناتیو باید ایجاد شود؟

● ن.ل: بطور عمومی فکر می کنم تغییراتی باید صورت گیرد. بطور مثال در انتخاب مسئولین منطقه ای و محلی اتحادیه که هم اکنون انتصابی است. این مسئولین باید قابل عزل باشند. مسئله دیگر رابطه اعضا با هیئتی اتحادیه است. بطور مثال اتحادیه کارگران مهندسی هم اکنون در نظر دارد تشکل اتحادیه در سطح بخش را از بین ببرد. اگر این پروژه پیاده شود رابطه اعضا در بخشها با هیئتی اتحادیه از بین خواهد رفت. مجمع عمومی و جلسات بزرگ ایده خوبی است ولی فکر می کنم محدود کنند. زیرا آنوقت فقط می توانیم کارخانه هم کارخانه مبارزه کنیم. در صورتیکه هم اکنون ما با شرکتها چند ملتیتی سر و کار داریم و به همین دلیل به سازمان چند ملتیتی کارگران احتیاج داریم. فعالیتهای زیادی در این زمینه شده است ولی تلاش بیشتری باید صورت گیرد.

● ک.ا: ممکن است در این باره کمی بیشتر صحبت کنید؟

● ن.ل: ما در گذشته کوشیدیم بشکل گروهی در سطح بین المللی رابطه برقرار کنیم و موفق هم بودیم. ولی مسئولین اتحادیه بر موجی که ما راه انداخته بودیم سوار شدند و از این ارتباطات جلسات یا مسئولین را ترتیب دادند. یکی از ارتباطات خوب "ترانس انترناسیونال" است. این سازمان جلسات کارگران اتوموبیل سازی است. نمایندگان اتحادیه در محل کار هم دیگر را ملاقات می کنند و درباره مبارزه کارگران، مشکلاتشان و غیره صحبت می کنند. از کشورهای مختلف مانند فرانسه، اسپانیا، آلمان و غیره در این جلسات حضور دارند. مثلا

● ک.ا: آخرین سؤال درباره اروپا و "بیانیه اجتماعی اروپا" است. وسایل ارتباط جمعی مرتبا درباره مناقع سرمایه داران و دولتها گزارش تهیه می کنند و برنامه های مناظره و غیره می گذارند. چند خطوط کلی تحت نام حداقلها در این بیانیه نوشته شده است و در جلساتشان درباره این یا آن نکته مباحثه می کنند. تی.یوسی (اتحادیه سراسری بریتانیا) اجرای این بیانیه را به دولت محافظه کار توصیه کرده است. نظر شما درباره این بیانیه چیست؟

● ن.ل: از جنبه های خوب است. بیانیه همانطور که شما گفتید، فقط حاوی خطوط کلی و همچنین نکات چرت و پرت است. بقول معروف "سوسیالیسم از ذرب پستی" از این بیانیه در نمی آید و در حقیقت هیچ نکته رادیکالی ندارد. فقط نکات عمومی دارد که آنهم حداقلها را شامل می شود. مسئله مهم اینست که برخی کارگران بالا و برخی دیگر زیر این حداقل قرار گرفته اند. کاری که باید انجام گیرد ارتقا کارگران نوع اول به این حداقل و مبارزه کارگران نوع دوم برای حفظ موقعیت پالیشان است. تا آنجاییکه به بریتانیا و حقوق کارگران بر می گردد، یک چیز در سالهای اخیر یاد گرفته ایم: همه دستاوردهایی که ما در ۴۰ - ۵۰ سال بدست آورده بودیم را از ما پس گرفتند. اگر ۲۰ سال پیش به من می گفتند که وضعیت اینطور خواهد شد حتما می گفتم که شومی می کنند و می خندیدم. ولی دیدن این وضعیت و انتخاب و انتخاب مجدد دولتی که ما را به پرتگاه می برد واقعا ترسناک است. همه می گویند حزب کار ۵۰ درصد شانس انتخاب شدن دارد. ولی حزب کار، حزب انقلاب و تغییر نیست و صرفا با این سیستم سرمایه داری پیش خواهد رفت. در همه جای دنیا اینطور است. از هم پاشیدن شوروی (که البته من هیچوقت معتقد نبودم که کمونیست بود) و بلوک شرق همراه خود موجی از سرکوب کارگران دنیا را به همراه آورده است. وضعیت نگران کننده ای است. در اروپا جناح راست مثل لوین، و غیره انتخاب می شوند. ارزش وسیعی از نیروی کار ارزان در اروپای شرقی وجود دارد. همین روزها است که کارگران را در رقابت با یکدیگر به جان هم می اندازند. کارگران اروپای شرقی تاکنون با رقابت سخت مواجه شدند و کارگران اروپای غربی هم هر چه بیشتر و سخت تر کار می کنند که در مسابقه بمانند. یک مثال این مسابقه و کاهش سطح معیشت کارگران که می توان پیش بینی کرد، تصمیم مدیریت فور مبنی بر تعطیل کردن مجتمع "داکن هم" و انتقال سرمایه به کارخانجات در اروپای شرقی است. من معتقدم باید علیه بدتر شدن وضعیت مبارزه کرد. باید خود را برای یک نبرد بزرگ آماده کرد.

● ک.ا: اوضاع جنبش سوسیالیستی چطور است؟ منظرم گروه ها و احزاب سیاسی است. آیا امیدی وجود دارد که یک جنبش سوسیالیستی کارگری در چند سال آینده در دانمارک پا بگیرد؟

● ا.ت: ما، چپی ها، مجموعا ۴ حزب کوچک، لیستی از کاندیدا برای انتخابات آتی تهیه کرده ایم ولی شانس زیادی نداریم. مردم ترجیح می دهند به احزاب بزرگ کارگری رای دهند، به سوسیال دموکراسی و حزب سوسیالیستی مردم.

● ک.ا: آیا به این علت نیست که احزاب چپی به مطالبات کارگری نامربوطند؟

● ا.ت: شاید. ببینید امروز کارگران دانمارک کار و امنیت برای خانواده شان و شرایط بهتر برای بیماران می خواهند، ولی سوسیالیسم نمی خواهند.

● سوسیالیستی میان کارگران کرد، البته با توجه به اینکه بتوانیم توضیح دهیم که سوسیالیسم واقعی چیست؟

● ا.ت: ما در شرایط هستیم که ۸۰ درصد کارگران در دانمارک شاغلند. من راجع به دانمارک حرف می زنم ولی در مورد کشورهای دیگر هم صاق می کند. اینها ممکن است فقیرتر شوند، سطح زندگی شان نسبت به سابق پایین آمده باشد، ولی آنها به آنچه دارند سفت چسبیده اند. وضع بیکاران را بخود مربوط نمی بینند. این وضع آنها را بسیار پاسیو کرده است. درهای خانه شان را بسته اند. ولی اگر بیکاری به مثلا دو برابر میزان فعلی برسد، آنها متوجه خواهند شد که این سیستم خراب است. آنها گوش شنوا پیدا می کنند و دنبال یک نظام دیگر خواهند گشت.

Prospects for change in US unions after the Teamster election victory

Jerry Tucker is a long-time labour activist and the national co-ordinator of New Directions - a rank and file movement for reform and democracy within the United Auto Workers (UAW) in the US. Ali Javadi, *Worker Today* co-worker in the US, talked to Jerry Tucker about the impact of the victory of Ron Carey (the candidate of the opposition movement within the Teamsters Union) on the labour movement in the US, particularly on the struggle for reform within the UAW. Also discussed was the General Motor's plan of mass layoffs in the auto industry. Excerpts:



Worker Today: A couple of weeks ago the rank and file members of one of the largest unions in the United States, the Teamsters Union, elected an opposition leader, Ron Carey. What does this change mean for the Teamsters, the labour movement at large, and specifically for the New Directions Movement in the UAW? What is your view on these changes totally?

Jerry Tucker: Ron Carey's election sets a whole new standard for rank and file involvement in their union. Ron of course was a courageous fellow to step out there and run for office and he conducted a very good campaign, but he couldn't have won without the support of an organised rank and file opposition group known as Teamsters for a Democratic Union. The reality of his victory is that the rank and file which had gotten really fed up with the type of top leadership they had in their union was given the opportunity through years of hard work by TDU and then, of course, by the opportunity to vote, to change the union. Ron's campaign was a good campaign and it is inspiring to all the rest of us. I think it is clearly the most important thing to happen in the US labour in may be 20 or 30 years.

WT: What about its impact on the New Directions and the UAW?

J.T.: I don't think there is any doubt that it has a significant impact on the way members of the New Directions movement feel and also on the rank and file of our union. They have been watching this, and we are hearing a lot more that 'if Carey can do it you can do it too', we can win some more seats, and so on.

We are certainly going to be moving the issue of full voting rights. Of course that was on our agenda all along, and we will be conducting a campaign for delegates this spring, preceding our convention in the UAW, to get delegates who will be absolutely committed to change the constitution of the UAW, so that we can have one-member one-vote as the Teamsters did.

WT: You have announced that you are running for the presidency of the UAW, and you have started a campaign on that account. What made you decide to run for the office and what are your major campaign agenda?

J.T.: In addition to giving the members the right to fully realise their own rights and seek their

own empowerment through one-member one-vote and other mechanisms of democratisation that I think are long overdue inside the UAW and most of American labour unions, certainly one of the things that has brought me into this race is the behaviour of our national union leaders in terms of the corporation. For more than a decade now, the UAW leadership has been tied to the apron-strings of the corporations and particularly in the auto industry. We do not today have an agenda that is based on the needs of our membership or the community they live in. But we follow an agenda that is based on the corporations' needs as the corporate executives perceive them.

WT: What are the challenges and obstacles ahead in your campaign?

J.T.: The biggest challenge is the fact that the UAW has been for almost 40 years now a one-party state. They have created a huge patronage army. Of course this is in collaboration with the corporation that exists. In General Motors, which is the largest employer that we deal with, I have been told that there were between 6 and 7 thousand appointed representatives in GM. That's a huge army, and it is a patronage army that the administration of the union has at their disposal. Those are workers, regular union members, who have been elevated to an elite status, allowed to be paid but not work on the job, and they are expected to defend the International. That makes running against the International a very difficult task, at the same time as it makes just standing up at the local level for your rights as an individual very difficult as well.

WT: What made you decide to run for the presidency of the union, and not for example running for the smaller locals?

J.T.: This wasn't an individual decision of course, and our movement had lengthy discussions throughout the summer and fall about what strategy would make the most sense. And we analysed it - and of course you know I have been a past regional director and an executive board member of the UAW. We looked at the possibility of just running selective regional races again. The consensus of our national Organising Committee of 24 people was that the membership doesn't pay attention to those - even though they are important - lesser races. We anticipated Carey's victory, or the excitement of his race anyway. We really felt that it was important to give the membership a real opportunity to

see us, the New Directions Movement, trying to come to grips with the question that you are going to be for a lot of issues and be right on the issues, but if you don't seek to take the power that you can use to enact or follow up those issues, you are not really standing up to the membership.

So the decision to offer a candidate for president and perhaps other candidates in the June Convention - certainly we will also have several regional director candidates - was made on the basis of the need to focus attention on issues and use the candidacy both for the purpose of creating that attention as well as taking advantage of the fact that Owen Bieber and the leadership of the union are very unpopular with the rank and file.

I am running to win the office of president. But I am certainly running an issue-based campaign, one that is not based on personality but on our ability to articulate the issues, and in my candidacy see those issues carried out.

WT: What are the differences in your campaign and Ron Carey's campaign?

J.T.: Of course Ron Carey was dealing with the very obvious corruption of the Teamsters Union. The UAW is corrupt, but it is corrupt in a somewhat different way. The corruption is that they have taken the union away from the membership and delivered it into the arms of the corporation. The corruption in the Teamsters was more associated with organised crime which tended to tie it into the ruling political order of the Republican Party. In the UAW, at least in the public's mind, we are dealing with that issue, but we are certainly dealing with the corrupting effect of collaboration with the corporation and how it deprives workers of the opportunity to govern themselves through their union.

WT: We heard a couple of weeks ago that GM is laying off 74,000 of its workforce and that it is closing 21 of its plants. What does it mean for the UAW members and for you as candidate?

J.T.: The media picked up this particular announcement more than they have anything in the past, and that is understandable because of the size and dimensions of the announcement. But the reality is that General Motors has been laying off workers and shutting down plants in large numbers for almost a decade now. The corporation in the mid-eighties gave every indication that they were going to try to cut the size of their

workforce and shut down a number of the plants, and they have been carrying out a strategy that seeks to do that. This particular announcement, coming as it does in a period where they have had two unprofitable fiscal quarters, makes it a little more dramatic, but the fact of the matter is that the GM has gotten rid of well over 160,000 workers in the past ten years. So now they are just carrying that further, perhaps more dramatically, given the depth of the recession, but it is a part of a strategy.

What should be of concern to workers in the communities as well is the fact that this strategy does not deal with the question of lost market shares much as it simply deals with the question of *lost profits*. The corporation is trying to regain profits, not market shares. If in the future they seek more market share it is our understanding that they will do that from production based in places like Mexico. And they are not coming back. In fact the depth of this cut tells us that they have no intention of trying to regain market share with US-based production.

WT: The world has witnessed dramatic changes in the past few years, and the rivalry between the Eastern and Western blocs has resulted in the defeat of the Eastern bloc and victory for Western capitalism. What does it mean for the workers in general, for the workers in the US and for you in the UAW and the New Directions?

J.T.: The first thing I would like to say is that I don't accept the premise that capitalism has defeated the Eastern bloc ideologically. I would offer the fact that the Eastern bloc developed a significant inability through its kind of state-control to address the problems that the working people needed to be addressed in a democratic fashion.

I think certainly the difference between the pent-up demand for democracy that has brought about the almost cataclysmic political changes in the Eastern bloc nations is not the same as saying capitalism triumphed over socialism. And I would say that whatever the economic form, market or elementally planned, there has to be democracy. A capitalist country can run amuck just the same as state-

controlled socialism can. I think that our working people and all other citizens and consumers and even those who find themselves in the entrepreneurial or bourgeois categories, need the assurance that they have a democratic system. Democracy may have won out in one form or another. Obviously all things are still in a state of change, but I don't think that's an exoneration of capitalism itself.

WT: What does it mean for the people here? Do you think it has unleashed a lot of forces against the working people?

J.T.: These forces, in this country at least, were unleashed long before the Eastern bloc looked in any jeopardy. I don't think workers in this country are striving for some kind of state-controlled model - not of the Stalinist type anyway; I think that has been dispelled a long time ago. But I think workers want to be able to organise in their own best interests as workers and they want freedom from hunger and want just as the Russian people want today. And they are prepared to embrace a system as long as it is democratic, and offers reasonable amount of empowerment to individuals within a collective framework. I don't think that it has made the people in this country feel as if they have gained new freedoms. I don't think the US workers who are being told on a daily basis that their employer is leaving the country, that their jobs are more in jeopardy - if they are not losing them - feel any great sense of individual vindication or empowerment as a result of that. I think they are now looking for "where is the justice in our own system"?

WT: Would you like to add anything at the end?

J.T.: I just think that as I am a candidate for the president of the UAW, I sense that there is a format for change in the United States amongst working people and I don't have any illusions about how difficult it is to deal with an entrenched leadership, especially one that has adopted the corporates' agenda as its own. But I think it is absolutely essential that workers have new voices, and a new vision offered, so that we can address some of these very very critical problems that we face.

From next month Worker Today will be published in 16 pages (12 Persian and 4 English pages). Due to these changes and also to rising printing, postage and other costs, the price will have to be raised by 20 percent. New rates are quoted in this issue's subscription form.

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of

Six months One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

NOTE! In the USA and Canada send to:
WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates

Europe:
1 Year SKr140
6 Months SKr80

Elsewhere:
1 Year SKr210
6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

Iraqi labour movement and the Gulf crisis

Interview with two Iraqi labour activists

Hussein Manuchehri, a *Worker Today* co-worker in Kurdistan, talked to two labour activists in Southern Iraq (whose identity is not being disclosed for security reasons) on the situation of the labour movement in this region and on the events following the US war. Excerpts:

Worker Today: How did the situation in the South begin? What was the role of the workers? What about the role of the left and religious forces?

Answer: To explain the situation in the South after the ceasefire in the war with the US and its allies, we have to go back a little. Except for the one month of the people's rising, the situation of the people has been characterised by savage repression and massacre.

In 1978 the Ba'ath government launched a wide-scale attack on the left forces; this was a time when the Iraqi Communist Party enjoyed cordial relations with the Ba'ath Party. In these years the Iraqi Communist Party had a large workers' influence. There were hardly any labour activists who were not linked to the Communist Party, which was the most serious left party in the South. Over the two years of 1978 and 1979, around 100,000 people were arrested, the fate of many of them still uncertain. At the time of the February 1979 uprising in Iran, the Islamic forces in Southern Iraq became quite active. The Hezb-o-Da'va party, of a long tradition in the Iraqi bourgeois opposition, became a more important force, and a more dangerous force for the government. This gave a pretext for the Ba'ath government to launch another round of massive attacks on the people, on the workers and the left forces.

With the start of the Iran-Iraq war, another wave of offensive was launched on the standard of living of people, particularly the workers. This reached untold proportions in the city of Basra which has the highest concentration of industries. The attack was accompanied by persecution of labour activists. Forced conscription was a weapon in the hands of the regime with which to organise its campaign in purely military forms. Workers were forced to either enlist in the army and go to the fronts, or submit to work in the military industries. Obviously, to avoid going to the fronts, workers preferred to work in the military industries. I should add that almost all heavy industries in Iraq are part of the military industry.

During these years resistance by the bourgeois opposition took on different forms. For example the Islamic forces took up armed resistance, but were suppressed. The Communist Party's infrastructure had disintegrated, and they only gave out a publication in the South. Some fringe groups also organised an armed resistance in the cities and along the border without success. By this time a large section of workers had been drafted into the army, and the rest were working in the military industries. The working conditions in the military industries were very savage: 12-hour shifts and a pay at

the level of soldiers' pay. In these industries military discipline was in force; anybody disobeying them was sent to military camps. Anyone absent from work for one day would get military punishment: he would be undressed and forced to crawl on hot rocks and gravel. There was not even [the one-day] weekend break, with only one day being off every month. The voicing of any grievance would be met by immediate dismissal and by being sent to the first line on the war fronts. A large number of active workers were slaughtered in this way.

The military factories had an intelligence organ called Special Security, the head of which was Hussein Kamel, Saddam's brother-in-law. Anyone making even the slightest pause during work, would be thrashed by cable wire for one and a half hours. Of course now the Special Security is gone. The military industries still exist, but the severity of the punishments and the working conditions is not as much. For example in the BG power station the official working time is 16 hours a day: 12 regular hours, and 4 hours overtime. The same conditions exist in the BG oil refinery: 16 hours a day!

In the South the killings, poverty, high prices and the military repression has so reduced people's expectations that they can't properly think about political issues. They want to be freed of the military life and want things to return to normal. But even this is now a mere dream.

No sooner had the Iran-Iraq war ended than people were again mobilised for the war in Kuwait. People were so infuriated that one hour after the announcement of the news of the Iraqi attack on Kuwait, almost all the towns in the South shut down.

After the Iraqi attack on Kuwait, economic embargo was another factor which added to people's misery. Many of the towns in the South, have connections with the Arab countries, but the economic boycott cut their access to supplies of the basic necessities. If in Northern Iraq the border regions provided access to some basic supplies through smuggling, even this was not possible in the South. Many workers and poor people were eating hay mixed with saw dust. The consequences of the economic embargo were very painful, and many died of starvation in this very period. People were asking "what did we gain from the Iran-Iraq war? what to fight the Kuwait war?"

The start of the Iraqi attack on Kuwait was followed by another round of attack on the entire opposition - from the Islamic forces to labour activists. The situation at the military industries was revived, and I won't go into this any more.

The whole of this situation had

made the structure of the government very shaky, and this was before the offensive of the allies against Iraq. In the months of November and December 90, the incapacity of the government heads was fully apparent. Arab nationalism, headed by the Ba'ath Party, had lost all its credit among the people. One month after the Iraqi invasion of Kuwait, people's resistance showed itself in refusal to join the army. Mass desertions had reached their highest proportions. The situation in the Iraqi army too was very bad. The soldiers had food rations of only one piece of dry bread every 48 hours.

Iraq's rapid defeat in the war made social explosions a new reality; and the killings and the slaughter inflicted is common knowledge. In the air attacks, as admitted by Sa'doon Hamadi, 22,000 civilians, and in the ground war 100,000 to 200,000 soldiers were killed. Also 64,000 soldiers were captured.

It is interesting to note that before the attack on Iraq by the allied forces, the entire government apparatus was paralyzed and the people had lost their illusions in Bush's policies. They had lost their hope in the US and would back up any force prepared to take up arms. The people stood without alternatives. Even the Islamic forces were saying that if the Iraqi Communist Party comes they would support it.

Under these conditions the allies' attack on Iraq fuelled the illusions once again. The allied forces advanced 400 km into Iraqi territory, reaching Koot 100 km outside Baghdad; they encountered no resistance. People were at the height of their illusions; they were saying "there is no need for us to move, the allies will overthrow Saddam". The Iraqi army retreated 600km and many were killed. They distributed a large number of guns among the people. The army told of its retreat to the people who were awaiting a spark.

This spark was lit in the town of Zabir in the South. The defeated army, on entering the town, gunned Saddam's portraits. This was the spark which ignited the gunpowder. It was repeated in the town of Amareh; all the garrisons were captured and the people annihilated the Intelligence (Estekhbarat) and the Security (Amn) forces. The army was on the side of the people in these actions, and forces sent to suppress the people would join the people. One by one all the towns in the South fell into people's hands. But the freed towns lacked any alternatives. The religious forces, because of their religious profile, played their role; they were social forces. The left, mainly as scattered circles, failed to take part as an independent force and in fact dissolved in the movement. The reason for this was that the left forces had their largest influence among petty-bourgeois intellectuals, thus lacking any real influence. The workers, on the other hand, had their own independent demands during these revolts, but they saw no alternative before them. There was a chaos in which the religious forces were trying to gain the upper hand.

Workers played a big role in the uprising and in fact their actions were the most effective - in particular in Basra which on the whole is a working class city. What was lacking, however, was a communist worker organisation. As a

result workers mixed with other social strata, in a general popular movement. Workers were not so familiar with clear economic demands since historically their demands would under the conditions of war quickly assume a political profile and become severely suppressed. On the whole, working class consciousness was low.

WT: How were the worker protests carried out before these upheavals?

A: There is a large textile factory in the town of Mousel. The government killed 60 Egyptian workers in this factory, their offence being to have called for shorter hours and higher pay.

Workers' protests have a spontaneous form (before and after the war). For instance in the Koot textile plant the workforce, in protest against the long hours, broke the machines. There were similar actions in the petrochemical plant and in the tile-making factory in the city of Karkouk.

WT: Could we speak of a strike movement before the uprising?

A: Yes, it was a large movement; and the main cause of it was the same pressure of the economic crisis, the embargo and the militarization of the workplaces.

WT: Approximately how many workers took part in these strikes?

A: I can't say exactly, but thousands of workers work in every one of these industries and in the other major industries.

WT: What form of struggle is traditional in the struggles of the workers in the South?

A: More often stopping work and going on strike. Workers get together, hold a general assembly, elect their representatives and send them to their respective state unions. Although everyone knows that the leaderships of these unions are linked to the Security Force, nevertheless workers regard their own representatives as caring and sympathetic to their interests.

In some cases attempts were made to set up solidarity funds, which were successful in a number of workshops, but the Intelligence forces severely suppressed them, their excuse being that the collected money may be used to fight the state. Such funds were set up notably in the cement factory in Karkouk.

WT: Is the First of May a tradition?

A: The First of May is an official holiday, but in 1991 it was not a holiday; they used the excuse of post-war reconstruction. But in 1990 workers of Iraq's biggest printing works in Baghdad went on strike on this day.

The government usually holds its own ceremonies on the First of May, but the workers rarely take

part in them; and they do not hold large independent ceremonies either. But in the tile-making factory in Karkouk in May 1990 workers all went to the suburbs for their celebrations, in effect boycotting the state ceremonies. But such actions are not common.

WT: What demands are the struggles concentrated on right now?

A: Many of the industrial centres have come to a halt since the war and are not in operation. Since the war and at the present time the working hours are very long, but the government has raised the wages a little. We now work officially 12 hours, and there is no limit to overtime work. Many times the factory buses return to the workers' homes at night to take them back to work. And no extra money is paid for overtime work. There is only a year-end pay based on the hours of overtime worked. The demands I think are focused on shorter working hours and higher wages.

WT: You consider yourselves as belonging to the trend of worker communism. Could you talk about this.

A: It is clear that I regard all worker actions and protests as part of the worker communist tendency. Worker communism, as a separate school of thought which is different from the traditional Communism, truly represents working class practice. In the South it is weak (I stress) as a *current of thought*. In this sense it relies more on the shoulders of a number of worker leaders. The war was a very negative factor in the spreading of our views. The isolation of the Iraqi Communist Party, which we supported in the past, was questioned by us. The same is true of the pro-Perestroika and the East-European, etc, currents.

We broke with the Iraqi Communist Party, and at that time a worker tendency grew which supported workers' struggles and had its own circles. At this time the writings of Mansoor Hekmat reached us and we became supporters of these views among our worker comrades. Of course we have read very little of his writings. I myself have only read three of his works, *Our Organising Policy Among the Workers*, *Worker Membership and Our Differences*.

WT: In your view what specific problems should the worker communist current address in the South?

A: The immediate issue for us is raising workers' political consciousness and the solidity of their ranks; the issue of specific demands in the face of the present crisis; and the uniting of workers' ranks in Southern and Northern Iraq. The question of the right of self-determination for the Kurdish nation should not delay the unity of worker leaders.

In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

- Interview with Uffe Thomsen, secretary of the Danish Typographical Workers Union, on the Danish labour movement and socialism (part 1)
- Interview with Ned Leary, Ford shop-steward in Britain, on the recent

labour contract at British Ford • Severe working conditions at Ahvaz (Iran) steel works - workplace report • Cheap slaves: plight of children around the world - letter to the editor • On new legislation concerning sexual harassment of women by French employers.

News of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

IN BRIEF

Sweden

• Thousands of construction workers staged demonstrations in 50 towns and cities in Sweden on 18 January in protest against the policies of the government. Unemployment in construction, which now stands at 17,700, is expected to rise by another 65,000 next year.

• The miners union in the northern coal fields of Sweden, with a militant tradition of struggle, called on the trade union confederation (LO) to adopt firm policies against the new right-wing government. The union, which has already left the LO in protest against the Confederation's and the Social Democrats' disregard of their demands, is strongly opposed to the plans to privatise the mining industries, and has called for a general strike.

Soviet Union

The Union of Mineworkers held its founding congress from 16 to 20 December in the Moscow region with the participation of 120 delegates from all the mining regions of the former USSR. The congress decided to build the union as a united and independent body embracing the workers in all the mining fields.

South Korea

Workers of Hyundai, South Korea's largest car plant, ended their week-long occupation of the plant after police threatened to storm the factory with over 12,000 armed anti-riot police, helicopters and armoured vehicles. The occupation began after lock-out by the management following a strike vote. Workers demanded bonus payments, better working conditions and return of workers fired for union activity.

Labour solidarity with Iranian workers

WT News Service:

Following efforts by Majid Behroozy, activist of the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee, the Canadian Union of Postal Workers, London Local, in a letter of protest to the Iranian ambassador in Ottawa (a copy of which was sent to *Worker Today*), condemned the execution of labour activists in Iran, expressing its shock over the human rights abuses against the working class.

Also, following efforts by the Iranian Refugee Workers Association in Britain, in an emergency motion, the Women's Conference of NALGO (National and Local Government Officers Association) protested against the violation of Iranian workers' basic rights, calling on other trade unions to condemn the anti-worker policies of the Iranian government.

Iranian oil workers win 50% wage rise

WT News Service:

Thousands of oil workers in the various installations of the oil industry in Iran, won a 50% wage increase after a 17-day strike in January.

According to a report in the daily *Salam*, published in Tehran, the decision to strike came after a mass meeting of oil industry workers and employees in Tehran on 9 January in which the workers discussed ways of co-ordinating their demands.

According to the Iranian Refugee Workers Association, who provided the report of the strike to *Worker Today*, the refineries in Tehran, Isfahan and Shiraz were involved in the action. The strike

ended after 17 days, with a 50% wage rise for the workers and an 80% increase for the white-collar employees.

Reacting to the lower wage increase for the blue-collar workers, the strikers decided to keep up their action, pressing for an equal rise. However, they were forced to abandon the decision after lack of support by workers in the important Abadan and Tabriz refineries. Also a management ploy, inviting the workers to apply for clerical positions if they wanted to improve their pay, by undermining the earlier unity in the strikers' ranks, made the continuation of the strike difficult.

French C.G.T. calls for release of arrested labour activists in Iran

WT News Service:

Following a communique by the Committee of Solidarity with Iranian Workers in France, calling on labour organisations to protest against the arrest of **Zahed Manouchehri** and **Saeed Saedy**, two labour activists in Iran, Joannes Galland, Confederal Secretary of the CGT union, in charge of international questions, issued a letter of protest denouncing the execution of labour activists and calling for the immediate release of the arrested workers.

Also, Farhad Besharat, Secretary of the International Federation of Iranian Refugees and Immigrants Councils, in a press release called on labour organisations and parties to work for the release of Zahed Manouchehri and Saeed Saedy: "Considering the circumstances which surround their arrests and the fact that the execution of labour activists in Kurdis-

tan has a sanguine precedence in the Islamic Republic's record ..., it is imperative that all labour organisations and parties as well as all the institutions and characters concerned with the promotion of human and civil rights worldwide do their utmost to prevent any further injury and suffering to Messrs Saedi and Manouchehri, and demand their immediate release from the dungeons of the Islamic republic".

Also, in a letter to Amnesty International, the Iranian Refugees Solidarity Committee in Switzerland - Zurich called on the Amnesty to "exert strong pressure on the Islamic Republic to prevent it from using violence against the two arrested workers and other political prisoners, and to work for their immediate release".

The following is the translated text of the letter by the CGT:

Dear Mr Ambassador,

The large amount of information reaching the CGT speaks of your government's repression against trade-unionists and political oppositionists.

The CGT has in particular been informed of the arrest of two union activists by the names of Saeed Saedy and Zahed Manouchehri. We demand their immediate release and respect for their physical integrity.

On the other hand, in the recent period, the execution of Jamal Cheragh-Vaissi, organiser of a First of May rally in 1989, and Abdollah Beyvaseh, member of the bakery workers' union, testifies to a rise in repression in your country.

The CGT asks you emphatically to bring to the attention of your government our indignation and condemnation of the violation of human rights in Iran, reflected in such acts as the above.

We reiterate our condemnation of torture and executions and our demand for the immediate release of all those imprisoned because of their ideas.

Mr Ambassador, believe our commitment to the defence of human and democratic values.

Joannes Galland,
Confederal Secretary of the CGT
In charge of international questions

Labour organisations urged to support Iraqi workers

Appeal by worker paper in Iraqi Kurdistan

WT News Service:

Following the intensification of acts of repression against the labour movement in Iraqi Kurdistan by Kurdistan Front (which includes the Patriotic Union of Kurdistan, led by Jalal Talebani, and the Kurdistan Democratic Party of Iraq, led by Masoud Barzani), which have been going on from the very start of the events last year in Iraq, recently the paper *Serinji-Karikar* (Workers' View), which is published in Iraqi Kurdistan, issued a statement calling on labour organisations world-wide to give their support to labour activists in that region. The following is the full text of this statement - a copy of which was sent to *Worker Today* - translated from the Kurdish original.

To All Labour Organisations and Unions,
To Labour Leaders and Activists Throughout the World!

Comrade Workers!

The working class in Iraq is denied of the most elementary economic and political rights. It lives and struggles under very harsh conditions: low wages, long working hours, layoffs, mass unemployment, and the denial of the right to strike and organise (in trade unions or workers' councils).

These conditions, because of the prevailing war conditions and the dual rule of the Ba'ath government and the Kurdistan Front in Iraqi Kurdistan, are even harsher for the workers in this region. The Kurdistan Front is now the major force in the cities of Suleimanieh, Valir and Dehook. It has functioned as the direct executor of the policies of the West, in particular the United States. It has taken upon itself the task in line with George Bush's New World Order - the task of suppressing the ongoing labour movement in the region, particularly in Iraqi Kurdistan.

The Kurdistan Front has now openly adopted the policy of intimidation of worker leaders (summoning labour activists and intimidating them under various pretexts; labour leaders who in the April 91 events played a prominent role in pushing forward the workers' and the council movement). So far, a number of labour and council leaders have been summoned to the offices of the Kurdistan Front and threatened to death.

The Workers' View calls on you:

To voice your protest in every possible way against the reactionary policies and acts of the Kurdistan Front and to condemn these anti-worker policies. Now more than any other time, in a situation where the workers in Iraqi Kurdistan are deprived of every kind of their mass and political organisations and are more unorganised than ever (due to the mass flights and factory shut-downs), they need your support and solidarity, as class comrades.

Today the international labour movement is more than ever in need of unity and solidarity. In its all-sided onslaught, the bourgeoisie has turned its market and its policies into a global market and policy. The bourgeoisie has never before been so united. Seeking more and more profits, they want to impose an unprecedented hunger, poverty, privation and lack of rights on the working class.

No doubt the workers too will, with their united millions-strong ranks, demonstrate to capitalism their international voice and power.

• Iraqi labour movement and the Gulf crisis

Interview with two Iraqi labour activists p. 11

• Prospects for change in US unions after Teamster election victory

Interview with Jerry Tucker p. 10